

سنت روشنفکری در غرب

برونوفسکی و مازلیش

مترجم: لیلا سازگار

کتاب سنت روشنفکری در غرب را دو تن نوشته‌اند که یکی از آنان تاریخ‌نویسی روشنفکر است با احاطه کامل بر ادبیات و فلسفه (برونوفسکی که با عروج انسان او آشناییم) و دیگری ریاضیدانی علاقه‌مند به فلسفه علم و ادبیات (مازلیش)؛ در نتیجه تفسیر این دو نفر از سیر اندیشه‌ها عمیق‌تر از آنی است که نویسندگانی واحد و مورخی معمولی می‌تواند به دست دهد. آنان سیر تکامل اندیشه‌ها را از دوره رنسانس تا آغاز سده نوزدهم پی گرفته‌اند و تاریخ تفکر غرب را به گسترده‌ترین معنایش دنبال کرده‌اند، یعنی فقط به رشته‌ای خاص مثل سیاست یا فلسفه نپرداخته‌اند. بلکه با توجه به بستر تاریخی، اقتصادی و علمی بروز اندیشه‌ها، کنش و واکنش رخدادهای تاریخی و اندیشه‌ها را بررسی کرده‌اند و در این میان از نقش اختراعات فنی و نوآوری‌های علمی و تأثیرشان بر سیر تفکر و تحولات آن غافل نمانده‌اند. نویسندگان این کتاب کوشیده‌اند اندیشه‌های این چهار سده را به شکل مجموعه‌ای از عقاید پویا و در حال تحول به ما عرضه کنند.

برونوفسکی و مازلیش به منظور باز نمودن کلیت اندیشه‌های این چهار سده، آن دوره را به سه بخش تقسیم کرده‌اند. نخستین بخش را «دنیای رو به توسعه» نامیده‌اند. «این بخش از لئوناردو در ایتالیا سده پانزدهم آغاز و به اوج شکوفایی دیر هنگام عصر الیزابت در انگلستان می‌انجامد... پس این دوره، رنسانس، دوره اصلاح دینی و ظهور علم و صنعت را دربر می‌گیرد.» بخش بعدی این تاریخ را «عصر مخالفت منطقی» نام نهاده‌اند و از نخستین انقلاب مهم در دنیا یعنی مقاومت در برابر چارلز اول آغاز می‌شود و تا حدود ۱۷۶۰ ادامه می‌یابد. در این بخش جنبش ابراز مخالفت شدید پیرایشگران و سپس گروه‌های مخالف کلیسای رسمی بررسی شده است.

سومین بخش از دوره مورد نظر «انقلاب‌های بزرگ» نام گرفته است. در این بخش نویسندگان به انقلاب صنعتی و جزئیات آن توجه کرده‌اند، «زیرا آن دسته از اندیشه‌های مهم اجتماعی و اقتصادی که بر افکار ما اثر گذاشته‌اند - مثل اندیشه‌های آدم اسمیت و جرمی بنتم - در آن انقلاب ریشه دارند.»

خلاصه در سنت روشنفکری در غرب می‌خوانیم که غرب برای رسیدن به آزادی چه راهی را پیموده است، و کدام اندیشه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و علمی بستر این سنت آزادیخواهی را فراهم آورده‌اند. مترجم برای هر یک از مداخل فهرست اعلام شرح کوتاهی نوشته است که زمینه ذهنی لازم را برای خواننده نا آشنا با برخی از نام‌ها یا رخدادها فراهم می‌آورد.

است و امکان دارد تا سال دیگر من آن را ترجمه کنم. اما نویسندگان دیگرشان چه مرد چه زن اصلاً خوب نیستند و کتاب‌هایشان غیر قابل خواندن است.

□ **محمدخانی:** علت چیست، چرا ادبیات معاصر ایتالیا به این صورت درآمد است؟

■ **فرزانه:** نویسندگان ایتالیایی در اوایل قرن تا سال ۱۹۶۰ آن قدر خوب بودند که الان هر اثری که نوشته شود فقط تقلید از همان دوره است. از زمانی که Newage روی کار آمده ادبیات خراب شده و خیلی نادر است که نویسنده خیلی خوبی در اروپا و حتی آمریکا پیدا بشود.

□ **سلیمانی:** من صحبت خاصی ندارم فقط می‌خواستم، این سؤال را مطرح کنم که آیا این عذاب وجدانی را که در آثار آلبادسس پدس می‌بینیم و مختص نسل جنگ و بعد از جنگ است، آیا در نسل‌های بعدی هم می‌توانیم ببینیم، یعنی آیا این وضعیت تاریخی خاص بعد از جنگ است که وجدان آدم‌ها را تکان می‌دهد و آیا به این دلیل ما با این آثار احساس همدلی می‌کنیم.

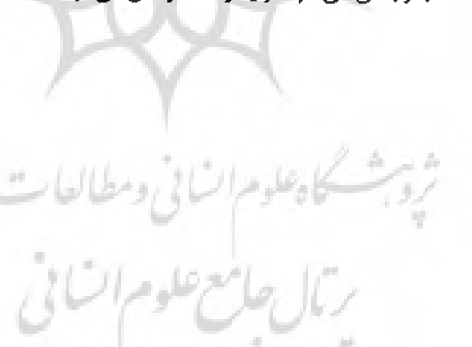
■ **فرزانه:** تمام حرف‌های شما خیلی درست و فوق‌العاده بود، ولی یک مسئله را نباید فراموش کرد که در ایتالیا که رومن کاتولیک هستند هرگز طلاق وجود نداشته و الان ده سال است که طی رفراندومی طلاق صورت می‌گیرد، آن هم باید ابتدا تقاضای متاخره بکنند، بعد سه سال صبر کنند تا طلاق جاری بشود، در نتیجه وقتی طلاق وجود ندارد طبعاً زن و شوهرها همانند کارهای گراتزیا دلدا همدیگر را می‌کشند و خفه می‌کنند و یا مثل کارا گترهای آلبادسس پدس دچار عذاب وجدان می‌شوند و یا از همسرشان می‌ترسند.

من فکر می‌کنم یکی از دلایل جذابیت آثار آلبادسس پدس همین حضور پررنگ و پر قدرت زنان است. در آثار این نویسنده زن‌ها با اضطراب‌هایشان، پریشانی‌هایشان، عشق‌هایشان و تنهایی‌هایشان حضور دارند و همین حضور همه جانبه است که زندگی را در این آثار به نمایش می‌گذارد.

■ **فرزانه:** همان طور که می‌دانید داریوفو نوبل را برای ادبیات برد منتها نوبل خیلی خاصی بود، به خاطر این که اصطلاحاً به او دلک می‌گفتند - یک نوع خاصی حرف می‌زند و مزاح می‌کند به خصوص با همسرش که در کارهایش همراه اوست و همچنین با پسرش - این نوبل را به خاطر ادبیات شفاهی به او دادند. فکر می‌کنم که خانم سلیمانی به قدری زیبا حرف می‌زنند و به قدری قشنگ این کتاب‌ها را خوانده‌اند و فهمیده‌اند که امیدوارم سال دیگر این نوبل را به ایشان بدهند.

□ **حسینی:** دلدا و دسس پدس از نویسندگان تثبیت شده در ایتالیا هستند. آقای فرزانه چرا از جوان‌ترها و ادبیات امروز ایتالیا کتابی را ترجمه نمی‌کنید؟

■ **فرزانه:** ادبیات امروز (منظور من از سی سال پیش تا الان است) در ایتالیا بسیار بد است که البته این مختص ایتالیا نیست و وضع در تمامی اروپا این‌گونه است. در نتیجه یک نویسنده نیست که شما اسم نویسنده و یا اسم کتاب او به یادتان بماند، چه برسد به این که کتابش را بخوانید. فقط یک نویسنده‌ای ده سال است که در ایتالیا مشغول تالیف شده که خانمی روزنامه‌نگار است و کتابی در سال حدود ۹۳ یا ۹۴ نوشته به اسم خانواده‌ای محترم که کتاب فوق‌العاده خوبی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات
پرتال جامع علوم انسانی

